



« طبقه بندی مواد استدلال در احادیث اعتقادی امام رضا (علیه السلام) »

استاد راهنما:

حاج آقا محدث

پژوهشگر:

جواد موگویی

مقطع تحصیلی:

«پایه ۲»

شماره پرونده:

۹۳۴۱۷

عنوان مقاله :

((طبقه بندی مواد استدلال در احادیث اعتقادی امام رضا علیه السلام))

نام نویسندگان : جواد موگویی - حاج آقای محدث (زید عزه)

چکیده مقاله:

هدف از این پژوهش یادگیری چگونگی استفاده از صناعت خمس با توجه به شیوه گفتاری و عملی امام رضا(علیه السلام) است. همچنین روش پژوهش در این مقاله پیاده سازی و تحلیل صناعات خمس در احادیث امام رضا(علیه السلام) است که در پایان این مقاله یاد می گیریم چگونه صناعات خمس را به کار بگیریم ، چگونه برهان بیاوریم ، چگونه از خطابه استفاده کنیم و چگونه جدل کنیم.

کلید واژه ها:

((امام رضا(علیه السلام) ، برهان ، جدل ، خطابه ، مخاطب شناسی ، احادیث اعتقادی))

مقدمه:

این که ما در بحث کردن هایمان گاهی نمی دانیم چه طور باید رفتار کنیم ؛ چه طور باید اسکات خصم کرد؟ در کجا باید از برهان استفاده کرد؟ کجا از خطابه استفاده کنیم؟ کجا از جدل استفاده کنیم؟ آیا اهل بیت علیهم السلام از این صناعات استفاده می کردند؟ به طور کلی ما متناسب با رفتار هر مخاطب مد نظرمان چگونه بحث کنیم و چگونه از صناعات خمس استفاده کنیم؟ آیا اهل بیت علیهم السلام از صنعت شعر و مغالطه هم استفاده می کردند؟ این مهم است که پاسخ این سوالات را بتوانیم به خودمان بدهیم. در این مقاله هدف پاسخ دادن به این قبیل سوالات ؛ کشف و

استخراج شیوه امام رضا علیه السلام در استفاده از صناعات خمس با روش پیاده سازی تعاریف و فایده های سه صنعت مهم برهان ، خطابه و جدل در احادیث آن حضرت است. در این مقاله منابع منطقی همچون المنطق مرحوم مظفر (رضوان الله علیه) و جوهرالنضید مرحوم علامه حلی (رضوان الله علیه) که از کتب سرآمد منطقی است و کتب احادیث همچون کافی مرحوم کلینی و احتجاج مرحوم طبرسی (رضوان الله علیهما) و دیگر کتب استفاده شده است.

فصل اول طبقه بندی مواد استدلال و کاربرد آن در احادیث اعتقادی

گفتار اول تعریف و طبقه بندی مواد استدلال از جهت ارزش مواد معرفتی

تعریف برهان^۱: قیاسی که تالیف شده از یقینیات و نتیجه می دهد یقینی بالذات را اضطرا را
تعریف جدل^۲: صنعتی است علمیه که اقامه دلیل آورده می شود به وسیله آن از مقدمات مسلم بر مطلوبی که متکلم اراده می کند (مسلمات نزد مخاطب)
طرفین جدل

۱. سائل: کسی که اقامه حجت و دلیل می کند.

۲. مجیب: کسی که سائل برایش اقامه حجت و دلیل می کند.

تعریف مغالطه^۳: هر قیاس شبهه برهانی و شبهه جدلی را مغالطه می گویند.

تبکیت در منطق دو نوع است

۱. معتبر که شامل قیاس برهانی و جدلی می شود.

۲. نامعتبر که شامل قیاس شبهه برهانی و شبهه جدلی می شود.

در مغالطه مراد تبکیت نامعتبر است.

منطق مرحوم مظفر ص ۵۱۷-۵۱۹.^۱

جوهرالنضید ص ۳۵۰.^۲

منطق مرحوم مظفر ص ۶۵۱-۶۵۳.^۳

تعریف خطابه^۴: خطابه صنعتی است که تاحد امکان به همراه دارد اقناع جمهور را در چیزی که تصدیق می کنند

موارد استعمال خطابه

۱. در امور مدنی و اجتماعی

۲. تاثیر خطابه عام است

۳. تاثیر گزاری در نفوس عامه

تعریف شعر^۵: شعر کلامی است تخیلی که از اقوال و قضایای وزن دار ، متساوی و قافیه دار تشکیل شده است.

فواید صنعت شعر

۱. برانگیختن روحیه حماسی در جنگ

۲. ایجان هیجان، طرب و شادی

۳. ایجاد حزن، اندوه و مرثیه ثرابی

۴. موعظه و نصیحت

به طور کلی تعاریف و بررسی های صناعات خمس در دو کتاب المنطق و جوهرالنضید فرق چندانی نداشت غیر از اینکه در کتاب المنطق مرحوم مظفر باترتیب صناعات خمس با کتاب جوهرالنضید فرق داشت ؛ همچنین در برخی جاها جوهرالنضید بهتر از المنطق بحث را باز کرده بود.

گفتار دوم : آشنایی اجمالی با احادیث اعتقادی امام رضا (علیه السلام)

جوهرالنضید ص ۴۰۸-۴۰۹
منطق مرحوم مظفر ص ۶۳۴^۵

مثالی برای جدل^۶

مردی بر امام رضا(علیه السلام) داخل شد و گفت: ای فرزند رسول خدا! چه دلیلی بر حدوث عالم است؟ امام رضا(علیه السلام) فرمود: این که تو نبوده ای سپس به وجود آمده ای، تو می دانی که خودت را ایجاد نکرده ای و این که کسی مانند تو، تو را به وجود نیاورده است.

این روایت از یک نظر برهان علیت است اما به یک دید هم جدل می باشد. همانطور که در توضیح جدل گفتیم شخص سائل از مسلمات مجیب استفاده می کند و باور وی را نقض می کند. در اینجا هم امام رضا(علیه السلام) از چند مسلم مجیب استفاده کردند:

۱. نبودن شخص از ازل.

۲. هیچ انسانی نمی تواند خودش را به وجود بیاورد.

۳. انسان نمی تواند مثل خودش را به وجود بیاورد.

هدف از جدل امام رضا(علیه السلام) در این حدیث یکی از این دو فهمیده می شود:

۱. یا برای کوباندن باور طرف مقابل

۲. یا برای اقناع و یاد دادن حدوث عالم بر شخص (در صورتی که شخص قصد سوال را داشته نه قصد تعاند و...)

مثالی برای برهان^۷

احتجاج مرحوم طبرسی ص ۳۵۱^۶.

احتجاج مرحوم طبرسی ص ۳۹۱^۸.

امام رضا(علیه السلام) فرمودند: هرکس خداوند را به مخلوقین تشبیه کند مشرک است و هرکس چیزی را که خداوند نهی فرموده به خدا نسبت دهد کافر است.

برهان(کافر) > اگر چیزی را به خدا نسبت دهی که خدا آن را نهی فرموده کفر است.

هرکسی که کفر انجام دهد کافر است.

پس هرکسی که چیزی را خدا از آن نهی فرموده را به خدا نسبت دهد کافر است.

مثال خطابی^۸

امام رضا(علیه السلام) می فرمایند: آنکه بد کرداری را فاش سازد مخدول باشد و آنکه کردار بد را نهان سازد آمرزیده است.

طبق آیه ۱۲۵ سوره نحل که در ادامه آن را بررسی می کنیم از نظر مرحوم مظفر(رضوان الله علیه) موعظه حسنه همان خطابه است.

پس این حدیث هم خطابی است و می شود از این حدیث در منبرها من جهت خطابه استفاده کرد؛ همچنین مخاطب امام رضا(علیه السلام) در این روایت عامه مردم بوده است؛ به این معنا که نصیحت کلی برای همه افراد کرده است و این یکی از فواید خطابه است(خطابه جهت استفاده برای عامه به کار می رود)

آیه قرآن در رابطه با سه صنعت مهم از صناعات خمس

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

در این آیه طبق نظر مرحوم مظفر استفاده سه صنعت از صناعت خمس تو صیه می شود.

۱. صنعت برهان که از کلمه حکمت در این آیه فهمیده می شود.

۲. صنعت خطابه که از عبارت موعظه حسنه در این آیه فهمیده می شود.

کافی مرحوم کلینی جلد ۵ ص ۹۵۰۳

۳. صنعت جدل که از عبارت وجادلهم بالتی احسن در این آیه فهمیده می شود. البته در باب جدل این آیه توصیه به استفاده از جدل احسن می کند نه جدل مطلق.

فصل دوم صنعت برهان در احادیث امام رضا(علیه السلام)

گفتار اول کاربرد برهان در احادیث اعتقادی امام رضا(علیه السلام)

۱. حدیث اول^۹

با اسناد نقل شده امام رضا(علیه السلام) فرمود که فرستاده خدا(علیه السلام) فرموده:

ای علی! اگر تو نبودی، پس از من مؤمنان - راستین - شناخته نمی شدند.

برهان این روایت

علی(علیه السلام) ملاک مومنان راستین پس از پیامبر(علیه السلام) است و

ملاک مومنان راستین پس از پیامبر(علیه السلام) اگر نباشد مومنان راستین شناخته نمی شوند.

پس اگر علی(علیه السلام) نباشد مومنان راستین شناخته نمی شود.

۲. حدیث دوم^{۱۰}

در یک مجلسی که مأمون تدارک دیده بود و علمای ادیان مختلف را دعوت کرده بود مدتی با حضرت امام رضا(علیه السلام) گرم صحبت بود، سپس رو به جاثلیق یکی از علمای ادیان دیگر کرده و گفت: ای جاثلیق! ایشان، علی بن موسی بن جعفر و پسر عموی من و از فرزندان فاطمه دختر پیامبرمان - و علی بن ابی طالب - صلوات الله علیهم - هستند، دوست دارم با ایشان صحبت کنی و بحث نمایی و حجت آوری و انصاف بدهی؛ جاثلیق گفت: ای امیر مؤمنین! چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می کند که من آن را قبول ندارم، و به گفتار پیامبری احتجاج می کند که

صحیفه الإمام الرضا علیه السلام / ترجمه حجازی، ص: ۸۷^{۱۰}

ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۲۱-۳۱۸^{۱۱}

من به او ایمان ندارم؟ حضرت فرمودند: ای مرد مسیحی؟ اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم، آیا می‌پذیری؟ جاثلیق گفت: آیا می‌توانم آنچه را انجیل فرموده، ردّ کنم؟ به خدا سوگند علی‌رغم میل باطنی‌ام، خواهم پذیرفت، حضرت فرمودند: حال، هر چه می‌خواهی بپرس و جوابت را دریافت کن.

جاثلیق پرسید: در باره نبوت عیسی و کتابش چه عقیده‌ای داری؟ آیا منکر آن دو هستی؟ حضرت فرمودند: من به نبوت عیسی و کتابش و به آنچه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را پذیرفته‌اند ایمان دارم و به هر «عیسی» ای که به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) و کتابش ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافر، جاثلیق گفت: مگر هر حکمی نیاز به دو شاهد عادل ندارد؟

حضرت فرمودند: چرا، او گفت: پس دو شاهد عادل از غیر همکیشان خود که

مسیحیت نیز آنان را قبول داشته باشد، معرفی کن، و از ما هم، از غیر همکیشانمان دو شاهد عادل بخواه، حضرت فرمودند: حالا سخن به انصاف گفتم، آیا شخص عادل را که نزد حضرت مسیح مقام و منزلتی داشت قبول داری؟ جاثلیق گفت: این شخص عادل کیست؟ اسم او را بگو، حضرت فرمودند: در باره یوحنا دیلمی چه می‌گوئی؟ گفت: به به! محبوب‌ترین شخص نزد مسیح را نام بردی، حضرت فرمودند: تو را قسم می‌دهم آیا در انجیل چنین نیامده که یوحنا گفت: مسیح مرا به دین محمد عربی آگاه کرد و مژده داد که بعد از او خواهد آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنها به او ایمان آوردند، جاثلیق گفت: بله، یوحنا از قول حضرت مسیح چنین مطلبی را نقل کرده است و نبوت مردی را مژده داده و نیز به اهل بیت و وصی او بشارت داده است و معین نکرده که این موضوع چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و آنان را نیز بر ایمان معرفی نکرده است تا آنها را بشناسیم، حضرت فرمودند: اگر کسی که بتواند انجیل را بخواند در اینجا حاضر کنیم و مطالب مربوط به محمد و اهل بیت و امتش را

برایت تلاوت کند، آیا ایمان می‌آوری؟ گفت: حرف خوبی است، حضرت به نسطاس رومی فرمودند: سفر ثالث انجیل را تا چه حدی از حفظ هستی؟

گفت: به تمام و کمال آن را حفظ هستم. سپس رو به رأس الجالوت نموده، فرمودند: آیا انجیل خوانده‌ای؟ گفت: بله، حضرت فرمودند: من سفر ثالث^{۱۱} را می‌خوانم، اگر در آنجا مطلبی در باره محمد و اهل بیت او - سلام الله علیهم - و نیز امتش بود، شهادت دهید و اگر مطلبی در این باره نبود، شهادت ندهید، آنگاه حضرت شروع به خواندن سفر ثالث کردند و وقتی به مطلب مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند، وقف کرده فرمودند: تو را به حق مسیح و مادرش قسم می‌دهم، آیا دانستی که من عالم به انجیل هستم؟ گفت: بله، سپس مطلب مربوط به محمد و اهل بیت و امتش را تلاوت فرمود، گفت: حال چه می‌گویی؟

این عین گفتار حضرت مسیح علیه السلام است، اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی علیهما السلام را تکذیب کرده‌ای و اگر این مطلب را منکر شوی، قتل واجب است، زیرا به خدا و پیامبر و کتابت کافر شده‌ای، جاثلیق گفت: مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم، بلکه بدان اذعان دارم، حضرت فرمودند: شاهد بر اقرار او باشید. برهان این روایت

ابتدا جاثلیق برای حضرت به صورت ذیل برهان می‌آورد:

اگر می‌خواهی ادعای خود را ثابت کنی دو شاهد عادل از غیر خودتان بیاور.

برای اثبات مدعی دو شاهد عادل نیاز است.

لیکن اگر تو می‌خواهی ادعایت را اثبات کنی

پس باید برای اثبات مدعی دو شاهد عادل بیاوری.

سپس امام رضا (علیه السلام) دو برهان می‌آورد.

لازم به تذکر است که انجیل «سفر» ندارد و این اصطلاح مربوط است به تورات، شاید در اینجا تصحیفی رخ داده است و در اصل «^{۱۲} الاصحاح الثالث» بوده.

۱. اگر دو شاهد عادل بیاورم و گفته من را تصدیق کنند گفتار من حق است

لکن من دو شاهد آوردم و گفتار من را تصدیق کردند

پس گفتار من حق است

۲. بعد از اینکه با برهان اول امام رضا (علیه السلام) جاثلیق گفتار امام رضا (علیه السلام) را مبنی بر

گفتار حضرت مسیح (علیه السلام) که بشارت ظهور پیامبر اسلام را داده بود پذیرفت حضرت یک

برهان دیگر آورد

هرکس گفتار انجیل و تورات را تکذیب کند موسی و عیسی (علیهما السلام) را تکذیب کرده

و اگر تو گفتار پیامبرت و کتاب آسمانیت را تکذیب کنی خدا را تکذیب کرده و به دینت کافر

شده ای و قتلت واجب است.

پس اگر گفتار انجیل و تورات را تکذیب کنی قتلت واجب است در نهایت حضرت با این دو

برهان کاری می کند که جاثلیق اذعان می کند و اقرار به حق بودن گفتار حضرت می کند.

گفتار دوم مخاطب شناسی امام رضا (علیه السلام) در احادیث اعتقادی (با رویکرد برهانی)

نکته اول پیدا کردن راه نفوذ برهان در مخاطب

در این روایت که حضرت با جاثلیق مسیحی رو در رو می شود. قبل از اینکه برهان بیاورد کاری

می کند که جاثلیق خودش بگوید که چگونه برهان حضرت امام رضا (علیه السلام) را می پذیرد

یعنی ابتدا حضرت رضا (علیه السلام) کاری کرد که جاثلیق گفت اگر دو شاهد عادل از غیر خودتان

بیاوری گفتار تو را تصدیق می کنم و حضرت هم همین کار را کرد و سپس برای جاثلیق برهان

آورد.

نکته دوم آوردن برهان در قالب جدل با اعتقادات خود جاثلیق

حضرت ابتدا به جاثلیق می گوید که من از اعتقادات و از کتاب خودت جوابت را می دهم

و سپس حضرت برهان آورد.

به طور کلی حضرت امام رضا(علیه السلام) اینطور که ما جستجو در روایت کردیم معمولاً برای هر مخاطبی متناسب با اعتقادات خود همان مخاطب برهان آورده و جواب های سؤالش را می داده است. و این تسلط حضرت را بر تمامی ادیان و اعتقادات آنها را می رساند و این نکته را به ما می آموزد که ما با هر مخاطبی متناسب با اعتقادات خودش برهان بیاوریم و این کار لازمه اش تسلط بر اعتقادات مخاطب را دارد.

فصل سوم صناعت خطابه در احادیث اعتقادی (امام رضا علیه السلام)

گفتار اول کاربرد خطابه در احادیث اعتقادی امام رضا(علیه السلام)

در این فصل ابتدا به ذکر چند حدیث از امام رضا(علیه السلام) می پردازیم^{۱۲}

۱. امام رضا(علیه السلام) می فرماید حدیث گفت برای من پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرمود: پیامبر خدای - عزّ و جلّ - فرمود، که خدای متعال می فرماید:
لا اله الا الله

، حصار من است، پس هر کس که در حصار من در آمد از عذاب من در امان باشد

۲. امام رضا (علیه السلام) با اسناد نقل شده فرمود، پیامبر خدا فرموده:

چهار کس را من در روز قیامت شفاعت می کنم، اگر چه با گناهان اهل زمین بر من وارد شوند:

۱- کسی را که در پیش روی فرزندان من در جهت گرامی داشت آنان- بر علیه دشمنان آنها و اسلام- شمشیر زند.

۲- کسی را که خواست فرزندان من را برآورد.

۳- کسی را که در رابطه با کارهای فرزندان من تلاش و کوشش کند.

۴- کسی را که با دل و زبان خود فرزندان من را دوست داشته باشد.

۳. امام رضا (علیه السلام) با اسناد نقل شده فرمود، پیامبر خدا فرموده:

ایمان عبارتست از، اقرار به زبان، و شناخت و عرفان به قلب، و عمل کردن به ارکان دین.

از صحیفه الإمام الرضا علیه السلام / ترجمه حجازی، ص: ۲۴، ۱۲.

به طور کلی اگر صنعت خطابه را به معنای عُرف امروزی یعنی همان سخنرانی بگیریم احادیث اعتقادی کمی موجود هست که بخواهد به صورت سخنرانی به مردم گفته شود چرا که احادیث امام رضا(علیه السلام) اینطور که بررسی شده است معمولاً به صورت خطابی نیامده است؛ اما اگر معنای منطقی و موارد استعمال خطابه را در نظر بگیریم تمام احادیثی که در این فصل ذکر شده است به صورت خطابه می باشد. به طور کلی احادیثی که برای پند دادن و یاد دادن چیزی بوده است امام رضا(علیه السلام) به صورت موارد خطابه استعمال کرده است.

گفتار دوم مخاطب شناسی امام رضا(علیه السلام) در احادیث اعتقادی (با رویکرد خطابی)

به طور کلی به نظر می رسد اینکه امام رضا(علیه السلام) برای اثبات اعتقادات و برای پاسخگویی به سوالات دیگران از صنعت خطابه یا اصلاً استفاده نکردند و یا کم استفاده کردند. و این نکته که گفته شد شاید این را به ما برساند که ما برای منبر رفتن و به طور کلی برای استفاده از صنعت خطابه کاری با براهین دقیق و اثبات عمیق اعتقادات نداشته باشیم مگر جایی که ضرورت دارد. یک نکته اینکه در این فصل تنها حدیث سوم کمی جنبه اعتقادی دارد.

فصل چهارم صنعت جدل در احادیث اعتقادی (امام رضا علیه السلام)

گفتار اول کاربرد جدل در احادیث اعتقادی امام رضا(علیه السلام)

در ادامه روایت قبلی^{۱۳}

حضرت امام رضا(علیه السلام) به جاثلیق فرمود: ای مسیحی! به خدا سوگند ما به «عیسی» ای که به محمد(صلی الله علیه و آله) ایمان داشت، ایمان داریم، و نسبت به «عیسی» ی شما ایرادی نداریم

ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۳۲۸-۳۳۲۲^{۱۴}

بجز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه‌اش، جاثلیق گفت: بخدا قسم، علم خود را فاسد نمودی و خود را تضعیف کردی، گمان می‌کردم تو عالمترین فرد در بین مسلمانان هستی، حضرت فرمودند: مگر چطور شده است؟ او گفت:

می‌گویی: عیسی ضعیف بود و کم روزه می‌گرفت و کم نماز می‌خواند، و حال آنکه عیسی، حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و حتی یک شب نخوابید، همیشه روزها روزه بود و شبها شب زنده‌دار! حضرت فرمودند: برای تقرّب به چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟! جاثلیق از کلام افتاد و ساکت شد.

حضرت فرمودند: می‌خواهم مطلبی از تو بپرسم؟ جاثلیق گفت: پرس، اگر جوابش را بدانم، پاسخ می‌دهم، حضرت پرسیدند: چرا منکر هستی که عیسی، با اجازه خدا مرده‌ها را زنده می‌کرد؟ جاثلیق گفت: زیرا کسی که مرده‌ها را زنده کند و نابینا و شخص مبتلا به پیسی را شفا دهد خداست، و شایسته پرستش، حضرت فرمود: یسع نیز کارهایی نظیر کارهای عیسی انجام می‌داد، بر روی آب راه می‌رفت، مرده زنده می‌کرد، نابینا و مبتلای به پیسی را شفا میداد، ولی امتش او را خدا ندانسته و کسی او را نپرستید، «حزقیل» پیامبر نیز مثل عیسی بن مریم مرده زنده کرد، سی و پنج هزار نفر را بعد از گذشت شصت سال از مرگشان، زنده نمود.

حضرت فرمودند: قریش همگی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و درخواست کردند که حضرت مرده‌هایشان را زنده کند، آن حضرت، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را همراه آنان به صحرا (یا گورستان) فرستادند و فرمودند: «به صحرا (یا گورستان) برو و با صدای بلند افرادی را که اینجا درخواست زنده شدن آنان را دارند، صدا بزن و تک تک نام آنان را ببر و بگو: محمد، رسول خدا می‌گوید: به اذن خدا برخیزید! (امیر مؤمنان نیز آنان را ندا کرد) همه برخاسته، خاک‌های سر خود را می‌تکاندند».

قرشیان نیز از آنان در باره امورشان سؤال می‌کردند و در ضمن گفتند:

محمد پیامبر شده است، مردگان از خاک برخاسته گفتند: ای کاش، ما او را درک کرده، به او ایمان می‌آوردیم^{۱۵} و پیغمبر نیز افراد نابینا یا مبتلا به بیماری پیسی و نیز دیوانگان را شفا داده است، با

حیوانات، پرندگان، جنّ و شیاطین صحبت کرده است، ولی ما آن حضرت را خدا نمی‌دانیم، و در عین حال منکر

فضائل این دسته از پیامبران (عیسی، یسع، حزقیل و محمد- صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین-) نیستیم، شما که عیسی را خدا می‌دانید، باید یسع و حزقیل را نیز خدا بدانید، چون آنان نیز مثل عیسی مرده زنده می‌کرده‌اند، و نیز معجزات دیگر حضرت عیسی را نیز انجام میدادند.

و همچنین ابراهیم خلیل الرحمن (علیه السلام) آن زمان که پرندگان را گرفت و تگّه تگّه نمود، و هر تگّه را بر کوهی نهاد و سپس آنها را فراخواند و آنها زنده شدند و به سوی او حرکت کردند.

و نیز موسی بن عمران علیه السلام و هفتاد نفر همراهش که از بین بنی اسرائیل انتخاب کرده بود و همراه او به کوه رفتند و گفتند: تو خدا را دیده‌ای، او را به ما نیز نشان بده، حضرت گفتند: من او را ندیده‌ام، ولی آنان اصرار کرده گفتند:

«لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (ما سخنان تو را تصدیق نمی‌کنیم مگر اینکه بالعیان و آشکار خدا را ببینیم- سوره بقره آیه ۵۵) در نتیجه صاعقه‌ای آنان را سوزاند و نابود ساخت.

و موسی (علیه السلام) تنها ماند و به خدا عرضه داشت: خدایا! من هفتاد نفر از بنی اسرائیل را انتخاب کردم و به‌همراه خود آوردم، و حال تنها برمی‌گردم، چگونه ممکن است قوم سخنان مرا در مورد این واقعه بپذیرند؟ اگر می‌خواستی، هم من و هم آنان را قبلاً از بین می‌بردی، آیا ما را بخاطر کار نابخردان هلاک می‌سازی؟ (مضمون آیه ۱۵۵ سوره اعراف)، خداوند نیز آنان را پس از مرگشان زنده نمود. سپس حضرت ادامه دادند: هیچ یک از مواردی را که برای ذکر کردم نمی‌توانی ردّ کنی، زیرا همگی، مضمون آیاتی از تورات، انجیل، زبور و قرآن است، اگر هر کس که مرده زنده می‌کند و نابینایان و مبتلایان به پیسی و دیوانگان را شفا می‌دهد، خدا باشد، پس اینها را هم خدا بدان، حال، چه می‌گویی؟ جاثلیق گفت: بله، حرف، حرف شماست و معبودی نیست جز الله.

در این جدل چندین نکته استخراج می‌شود

فوائد جدل^{۱۴} در کتب منطقی به تفصیل بحث شده است تمامی آن فوایدی که در کتب ذکر شده است به خوبی در این روایت حضرت روشن است

در بخش اول این جدل (نماز و روزه حضرت عیسی (علیه السلام)...) حضرت ابتدا به صورت سائل در آمده و دو مرحله را به ترتیب طی می کند. ۱. مرحله اول: اعتراف گیری از عقاید خود جاثلیق ۲. مرحله دوم: تشکیل قیاس جدلی به این صورت که خود جاثلیق به صورت غیر مستقیم اعتراف کرد که حضرت عیسی (علیه السلام) خداست چرا که اگر خداست پس عبادت کردنش برای چه کسی و حضرت عیسی (علیه السلام) خداست چرا که اگر خداست پس عبادت کردنش برای چه کسی و برای چیست؟؟؟؟!!

در بخش دوم روایت (معجزات حضرت عیسی (علیه السلام)) امام رضا (علیه السلام) باز در نقش سائل چهار مرحله را برای جدل انتخاب کرده است. ۱. مرحله اول: طرح پرسش هوشمند و هدفمند از جاثلیق ۲. مرحله دوم: اعتراف گیری هوشمندانه از عقاید خود جاثلیق ۳. مرحله سوم: آوردن مثال هایی مسلم و آوردن مشهورات از کتب آسمانی علیه عقیده باطل جاثلیق ۴. مرحله چهارم: تشکیل قیاس جدلی به این صورت که حضرت باز هم از عقاید خود جاثلیق ثابت کرد که عیسی (علیه السلام) نمی تواند خدا باشد.

می شود بخش دوم این روایت از امام رضا (علیه السلام) را به صورت این برهان هم درآورد

(جاثلیق) تو می گویی چون حضرت عیسی علیه السلام مرده زنده کرده است خداست!

مقدمه اول: طبق گفته تو هرکسی مرده زنده کند خداست.

مقدمه دوم: پیامبرانی همچون پیامبر اسلام و ابراهیم و یسعی و.... هم مرده زنده می کردند.

نتیجه: پس پیامبر اسلام و... خدا هستند !! در این هنگام جاثلیق گفتار امام رضا (علیه السلام) را تصدیق می کند.

در منطق المظفر و جوهرالنضید به خوبی در رابطه با جدل بحث شده است ^{۱۵}

گفتار دوم مخاطب شناسی امام رضا(علیه السلام) در احادیث اعتقادی(با رویکرد جدلی)

این طور که از فضای روایی فهمیده می شود(امام رضا علیه السلام) متناسب با هر شخصی از عقاید همان شخص جدل می کرده است و امام رضا(علیه السلام)بیشتر در مقام سائل در می آمده است البته باید بیشتر روایت را بررسی کرد تا حکم به قطع این مساله کرد اما در این حد کمی که در این مقاله بررسی شده است به نظر می رسد حضرت بیشتر در جدل در مقام سائل بوده است تا مجیب و آنجایی هم که مجیب بوده است با هوشمندی خود را در مقام سائل قرار می داده است.

همچنین امام رضا(علیه السلام)در تمامی مراحل جدلی خود به طور کامل حفظ ادب را می کرده است با اینکه طرف مقابل امام را قبول ندارد اما امام احترام او را نگه می داشته است.

از این دو نکته می توان این را برداشت کرد که ما در جدل هایمان سعی کنیم بیشتر در مقام سائل باشیم و حتی اگر مجیب در مقابل ما،دشمنمان هم بود ادب را حتما رعایت کرده و متوجه باشیم که بی ادبی نکنیم چرا که ما الگوهایمان معصومین علیهم السلام هستند.

فصل پنجم جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به پژوهش و تحقیق در روایت به نظر می رسد حداقل می شود این را گفت که امام رضا علیه السلام از استدلال مستقل شعری که بخواهند صرفاً از راه تحریک عواطف و احساسات مردم آنها را به سوی هدفی سوق دهند و هیچ گونه استدلال و آگاهی به مردم در رابطه با آن هدف ارائه نکرده باشند نداشته اند و مغالطه استفاده نمی کردند و شاید بتوان این نکته را هم به بقیه معصومین علیهم السلام نسبت داد این را دیگر به خوانندگان عزیز می سپاریم تا پژوهش کنند. در این مقاله ما دانستیم که با مخاطب های مختلف خود چگونه رفتار کنیم، دانستیم که چگونه با دشمنان خود احتجاج کنیم و نکاتی مفید (من جمله حفظ ادب که در فصل چهارم به آن اشاره شد) را یاد گرفتیم. به طور کلی اجمالاً روش درست استفاده کردن و کجا استفاده کردن از صناعات خمس را از امام رضا علیه السلام یاد گرفتیم. امید است که شیوه های رفتار عملی و گفتاری را از اهل بیت علیهم السلام یاد گرفته و در خود پیاده کنیم شاید که رستگار شدیم! جای کار برای استخراج رفتارهای عملی و گفتاری اهل بیت علیهم السلام خیلی هست امید است که خوانندگان ادامه دهنده راه پیدا کردن رفتارهای گفتاری و عملی معصومین علیهم السلام باشند....

یا حق.

نام کتاب	نویسنده	موضوع	تعداد جلد	زبان	ناشر	مکان چاپ	مترجم
۱. ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام	ابن بابویه، محمد بن علی	گوناگون	۲	فارسی	نشر صدوق	تهران	مستفید حمید رضاغفاری
۲. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام ترجمه حجازی	امام رضا علیه السلام	گوناگون	۱	فارسی	کنگره جهانی امام رضا علیه اسلام	مشهد	_____
۳. اصول کافی	مرحوم کلینی	روایات	۶	فارسی عربی	انتشارات اسوه	تهران قم	محمد باقر کمراه ای
۴. احتجاج	مرحوم طبرسی	مناظرات	۲	فارسی عربی	پیام مقدس	قم	محمد مهدی سازگار
۵. المنطق	مرحوم مظفر	منطق	۱	عربی	ذوی القربی	قم نجف	سید رائد حیدری (مصحح)
۶. جوهر النضید	مرحوم علامه حلی	منطق	۱	عربی			

